

سیری بر موسیقی محلی بوشهر؛ دمام

اشرف سلطانی‌نیا^۱

چکیده

سازها و سائیلی هستند که فرهنگ و ارتباط فرهنگی مردمان یک سرزمین را نشان می‌دهند و به شناخت اعتقادات، باورها، آیین‌ها، نهادها و اسطوره‌های یک فرهنگ نیز کمک شایانی می‌کنند. دمام، سازی بوشهری و از جمله سازهای اولیّه این دیار است. این ساز معمولاً با سازهایی چون بوق و سنج نواخته می‌شود و اغلب در مناسبت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. دمام، ساز پوستی دو رویه است که صدای آن را می‌توان در مناسبت‌های مختلف در بیشتر محله‌های بوشهر شنید. این مقاله با بیان ویژگی‌ها و کاربرد دمام در مناسبت‌های گوناگون می‌تواند در برنامه‌های مختلف موسیقایی و ترکیبی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: موسیقی محلی، موسیقی جنوب، موسیقی بوشهر، ساز محلی

بوشهر، دمام

۱. کارشناسی‌ارشد کارگردانی تئاتر و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر
ashraf_soltaninia@yahoo.com

مقدمه

فرهنگ از نیاز متولد می‌شود و به انسان این امکان را می‌دهد که مواعی را که در مسیر راه خود می‌بیند، از میان بردارد. موسیقی، وجهی از فرهنگ است که از تولد تا مرگ، از بزم تا رزم و از سور تا سوگ همواره در اغلب شئون فرهنگی و اجتماعی مردم حضور داشته و دارد. سازها نیز طنین‌انداز کار و کوشش، رنج و مشقت، دوری و درد، شادی و غم، شیرزنی و دلیرمردی، شکست‌ها و ناکامی‌ها و بیانگر مشخصه‌های جغرافیایی و اقلیمی هر سرزمین هستند. موسیقی بوشهر نیز واجد همه این وجوه است و یکی از سازهای مهم و مشخص آن، دمام (damâm) نام دارد.

دمام، سازی است که اغلب با سازهایی چون بوق و سنج نواخته می‌شود. این ساز از نخستین آلات موسیقی بوشهر به حساب می‌آید و احتمالاً ریشه در موسیقی محلی آفریقایی دارد. در مورد این ساز معتقدند که بشر نخستین با کمک اصواتی که از این ساز خارج می‌کرده است، بخشی از نیازهای خود را برآورده می‌ساخته و در واقع تا جایی که می‌توانسته با این زبان موسیقایی خلاء دستگاه‌های مخابراتی و بلندگوها را جبران می‌کرده است. همچنین، وسیله‌ای برای ترساندن حیوانات وحشی نیز بوده است.

مفهوم دمام

احتمالاً کلمه «دمام» در اصل «دمبام» بوده و از دو جزء دم+ بام (صبح و پگاه) ترکیب شده است. در گذشته، عده‌ای خاص در هر بامداد مأمور بیدار کردن شاهان و امیران وقت از خواب بوده‌اند. بنابراین، وسیله‌ای که به آن می‌نواخته‌اند، به همان مناسبت «دمبام» نامیده می‌شده است. از این رو دمام را وسیله و ابزاری معرفی می‌کنند که از آن برای بیدارباش در دم صبح استفاده

سیری بر موسیقی محلی بوشهر؛ دمام ❖ ۱۳۳

می‌کردند. در مورد منشا دمام هم آمده است که احتمالاً مسافران و پبله‌وران بوشهری، آن را با کشتی‌های تجاری از «زنگبار» به بوشهر آورده و در مراسم و آیین‌های مختلف به کار گرفته‌اند. بعدها این دمام‌ها از سوی نجاران هندی و از چوب گردوی «گرمی» ساخته و از بنادر کراچی و بمبئی به بوشهر آورده شد. البته نجاران هندی مقیم بوشهر نیز در ساخت انواع بعدی آن بی‌سهم نبوده‌اند. (احمدی ری شهری، ۱۳۸۰: ۴۲۸)

حاج محسن گرانبها، تعزیه‌گردان از مرحوم پدرش نقل می‌کند که هرگاه به مزیری (کارگری) کشتی‌های هندی می‌رفتند، عده‌ای از سیاهان آفریقایی را می‌دیدند که به گاه فراغت در کشتی دمام می‌زدند (گرانبها، بوشهر، ۱۳۹۱). این آشنایی مداوم احتمالاً یکی از دلایل ورود این ساز به بوشهر بوده است.

دمام‌زنی در هیچ‌یک از مناطق دیگر ایران به جز بعضی از شهرهای خوزستان (آبادان، خرمشهر، اهواز) که آن هم در این اواخر بدان مناطق راه‌یافته است، رواج ندارد.^۱ در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و در مصر، عراق، عربستان و بویژه شبه‌قاره هند نیز دمام یکی از سازهای سنتی است که معمولاً در مراسم بزم و سرور به کار می‌رود.

ویژگی‌های دمام

دمام، ساز پوستی دو رویه است. این ساز از استوانه‌ای توخالی به نام «پیپ» تشکیل شده که دو سوی آن را پوست کشیده‌اند. طول آن ۴۵ تا ۵۵ سانتیمتر و قطر آن ۳۵ تا ۴۰ سانتیمتر است. بدنه آن معمولاً از جنس چوب یا نوعی ورق نازک فلزی به نام «پلیت» (pleyt) است. پوست دباغی شده بز را به کمک دو

۱. حتی در شهرهای دیگر خود استان نیز به تازگی باب شده است.

وسیله دایره‌ای شکل که به آن «چمبره» (čambareh) می‌گویند، بر روی دهانه طبل نگه می‌دارند، سپس چمبره‌های هر طرف را به شکل «Y» طناب‌پیچ می‌کنند و برای این کار معمولاً هفت جای پوست را در کناره چمبره، سوراخ می‌کنند.

پس از ساختن ساز، آن طرف پوست دمام را که نسبت به طرف دیگر از استحکام بیشتری برخوردار است، با ایجاد دایره‌ای رنگی در وسط پوست نشانه می‌گذارند. این دایره رنگی، علامت آن است که نوازنده بداند باید این



سمت را به وسیله چوب بنوازد، زیرا احتمال پاره شدن پوست این قسمت از طرف دیگر کمتر است. معمولاً به آن طرف دمام که با چوب نواخته می‌شود «شمالی» و به طرف دیگر آن که با دست نواخته می‌شود، «جنوبی» می‌گویند. چون پوست شمالی نیاز به

استحکام بیشتری دارد، آن را از پوست بز و پوست جنوبی را معمولاً از پوست آهو تهیه می‌کنند. بنابراین، وجه شمالی دمام به بزی (bozi) و وجه جنوبی آن به آهوئی (âhuyi) یا اوهیدی (ohidi) نیز معروف است.

معمولاً دمام‌ها را در گدام‌خانه^۱ (godâmxâneh)، برای مراسم بعدی نگهداری می‌کنند و به این ترتیب قرار می‌دهند که ابتدا بندها را از بدنه خارج می‌کنند، به طوری که فقط پوست بر روی آنها بماند. سپس آنها را از جایی

۱. گدام واژه‌ای هندی - انگلیسی و به معنی سایه‌بانی است که سازها را زیر آن نگهداری می‌کنند.

سیری بر موسیقی محلی بوشهر؛ دمام ❖ ۱۳۵

بلند آویزان و نگهداری می‌کنند تا موریانه آنها را از بین نبرد. معمولاً برای استفاده بعدی، پوست آنها را عوض می‌کنند و پوست نو به بدنه می‌کشند و تا هنگامی که رهبر گروه، سازها را کنترل نکرده است، اجازه خارج کردن آنها را صادر نمی‌کند.

تعداد دمام‌ها در هر محل از دوازده عدد تجاوز نمی‌کند. همراه با زدن دمام، سنج و بوق نیز به کار گرفته می‌شود. اگر «بوق» که معمولاً از شاخ گوزن است، موجود نباشد، مشکل چندانی ایجاد نمی‌کند، اما نبودن سنج، کار دمام‌زنی را متوقف می‌سازد؛ زیرا سنج، تنظیم‌کننده ضرباهنگ دمام است و سنج و دمام لازم و ملزوم یکدیگرند.

هر چند دمام‌زنی کار دشواری نیست، اما بدون داشتن مهارت نمی‌توان به آن دست زد. زدن سنج نیز به همان نحو است. معمولاً در هر محله افراد خاصی برای سنج زدن علاقه نشان می‌دهند زیرا اغلب مایل‌اند دمام بزنند. زدن سنج خسته‌کننده است و بعد از مدت کوتاهی افراد باید جایگزین شوند. گرچه در وجود «دمام‌زن» همان حالت خستگی ایجاد می‌شود، اما او هیچ‌گاه خستگی را در خود احساس نمی‌کند و دوست ندارد به این زودی‌ها دست از دمام‌زدن بردارد.

نوعی دمام به نام رباس (robâs) هم وجود دارد که همان ساز دمام است که در ابعاد کوچک‌تری ساخته می‌شود. این ساز استوانه‌ای کوچک، به طول تقریبی ۱۸ تا ۲۲ سانتیمتر و قطر ۱۶ تا ۱۸ سانتیمتر است که دو طرف آن را پوست می‌کشند. نوازنده با یک دست، آن را می‌گیرد و با دست دیگر می‌نوازد. در جزیره خارک به آن «مرباس» (merbâs) می‌گویند و در اطراف کنگان و دیر آن را «کاسر» (kâser) می‌نامند. این گونه دمام، در محافل سرور و برای شکاندن ضرباهنگ استفاده می‌شود. (شریفیان، ۱۳۸۴: ۱۵۸)

انواع دمام‌زنی

گروه دمام‌زنی به صورت‌ها و شکل‌های مختلف این ساز را می‌نوازند:

۱. «اشکون‌زن» (eškunzan) یا اشکندزن (eškandzan) به تک‌دمام و به عبارت دیگر به تک‌نواز گفته می‌شود که در سرِ دسته قرار دارد. صدای این ساز نسبت به دمام‌های دیگر بیشتر و شکل ظاهری آن کوچک است.

«اشکون‌زن» معمولاً یک نفر است و از این لحاظ به این نام معروف است که ضرباهنگ یکنواخت آن، ضرباهنگ بقیه دمام‌ها را می‌شکند. اشکون‌زن، مهارت خاصی دارد و همه به سادگی از عهده آن بر نمی‌آیند. تمام دمام‌زن‌ها یک طرف و «اشکون‌زن» در سوی دیگر جلوه‌گری می‌کند و به گروه دمام‌زن گرمی خاصی می‌بخشد.

اشکون‌زن پس از نواخته شدن بوق و با اجرای فیگورهای نوازنده غمبر (qember) معمولاً ۲ الی ۴ میزان تک‌نوازی می‌کند و بدین وسیله ضرباهنگ و سرعت آن را به سایر نوازنده‌ها منتقل می‌کند. (احمدی ری‌شهری، پیشین: ۴۳۱)

۲. دمام غمبر (qember) به دو دمامی گفته می‌شود که در دو سمت راست و چپ اشکون‌زن قرار دارند. دمام‌های مورد نظر در سر دمام‌های معمولی قرار دارند و به همین دلیل آنها را دمام‌های «کله» یا «سر» می‌نامند. نوازنده‌های این ساز در تبادل ضربات بین چوب و دست، سه شیوه به کار می‌گیرند و در هر سه شیوه، فیگورهای مشخصی را به اجرا می‌گذارند که میان دمام اشکون، غمبر، کار خود را با قطعه‌ای مشخص همچون سایر دمام‌ها شروع و تا پایان قطعه گروه را همراهی می‌کند. پاره‌ای واژه غمبر را برگرفته از شور و احساسی می‌دانند که بر اثر نواختن به نوازنده دست می‌دهد. (شریفیان، ۱۳۸۳: ۱۱۵)

سیری بر موسیقی محلی بوشهر؛ دمام ❖ ۱۳۷

۳. دمام زیر غمبر به همه دمام‌ها به جز اشکون و غمبر اطلاق می‌شود. به دلیل اینکه نوازنده آن در اجرای مراسم، پایین‌دست نوازنده‌های غمبر قرار می‌گیرد و به دلیل ساده بودن نواختن آنها نسبت به بقیه سازها، با عنوان دمام «ساده» و «معمولی» هم خوانده می‌شود. کار این نوازنده نیز مانند دمام غمبر در طول قطعه مشخص شده است.

۴. سرگروه نیز بر کار دمام‌زنان نظارت دارد و دمام را به افراد دیگر واگذار می‌کند.

اجرای موسیقی با دمام

ساز دمام به وسیله طناب به روی شانه و گردن نوازنده به صورت ایستاده آویخته و نواخته می‌شود. نوازنده، از یک طرف با کوبیدن ترکه‌ای چوبی به پوست و از طرف دیگر با زدن ضربات دست خود بر میانه و کناره‌های پوست آن را مرتعش می‌سازد. طول ترکه چوبی ساز دمام که از جنس درخت خرما می‌باشد، حدود ۲۵ تا ۳۵ سانتی‌متر است. (اردشیری، محله جفره ماهینی، ۱۳۹۲)

در هر مجلس و در اتمام روضه‌خوانی، زیارت‌نامه خوانده می‌شود و صدای بوق، همه را متوجه خود می‌کند. پس از سه تک زدن، «اشکون‌زن» (مانند نوای کُلم کُلم کُلم) به دمام‌های دیگر اشاره می‌کند و کمی که اوج گرفت، هشت سنج شروع به نواختن می‌کنند. طرز ایستادن گروه بدین شکل است که چهار سنج بالای دمام‌ها و چهار سنج دیگر در کنار دمام‌های پایینی می‌ایستند و می‌نوازند. (یاحسینی، محله شیخ سعدون، ۱۳۹۲)

این ساز در اغلب مناطق بوشهر رواج دارد و کاربرد آن معمولاً در مراسم سوگواری است. دمام‌های «اشکون»، «غمبر» و «زیر غمبر»، دمام‌هایی هستند که

در مراسم سنج و دمام وجود دارند. این سازها را می‌توان از روش نواختن نوازنده و همین‌طور از طرز قرارگرفتن در دسته از هم متمایز ساخت. در شهرستان «کنگان» و «دیر» از دمام در جشن‌ها نیز استفاده می‌کنند. از دیگر انواع دمام‌ها می‌توان «دمام برازجانی» را نام برد که به لحاظ بستن طناب و کشیدن پوست بر روی طبل، با دمام رایج در بوشهر متفاوت است. تعداد دمام‌ها در دسته‌ای که مراسم سنج و دمام اجرا می‌کنند، معمولاً هفت عدد است. گاهی مراسم سنج و دمام از سوی دو یا سه دسته هفت‌تایی اجرا می‌شود که برای هر قطعه اجرا، نوازنده‌های دمام با فاصله کمی روبه‌روی هم می‌ایستند و دارنده «دمام اشکون» در جایگاه سردسته قرار می‌گیرد. در مساجد بوشهر، دمام‌های زیادی نگهداری می‌شود، اما معمولاً هر مجلس دمام‌زنی، هفت دمام دارد که یکی از آنها «اشکون» است و ضرباهنگ نواختن آن از شش‌تای دیگر متفاوت است و فاصله‌های سکوت در آن زیاد است و با تک‌زدن این خلأ را پر می‌کنند. دو تا کله‌گیر نزدیک اشکون، حالت بده و بستان و سؤال و جواب هم اجرا می‌کنند و با کوبیدن بر آن، وجد خاصی به اشکون می‌دهند. چهارتای دیگر، در تمام مدت اجرا، به صورت دو چوب و سه چوب می‌زنند تا ضرباهنگ حفظ شود. گروهی، در اوج نواختن اشک می‌ریزند و گروهی دیگر در حین نوازندگی به دور خود می‌چرخند. تماشاگران و نوازنده‌های سنج نیز با گفتن «ماشالله» و صداها و اصواتی، نوازنده را بیشتر به درون خود فرومی‌برند.

کاربرد دمام

از دمام در مناسبت‌های مختلفی بهره‌گیری می‌کنند:
۱. هنگام شروع بیشتر مراسم مذهبی، دمام‌نوازی می‌شود.

سیری بر موسیقی محلی بوشهر؛ دمام ❖ ۱۳۹

۲. پایان مراسم عزاداری با نواختن دمام اعلام می‌شود.
۳. در مراسم تشییع جنازه شخصیت‌های بزرگ منطقه، دمام‌نوازی می‌شود تا بر شکوه و حزن مراسم بیفزاید.
۴. در بعضی از کشورهای آسیایی و بنادر هند، پاره‌ای از صیادان برای به‌دام انداختن ماهیان در نواحی ساحلی از دمام بهره می‌گیرند.
۵. به هنگام فراخوانی افراد به منظور انجام بعضی از کارهای گروهی، نظیر به آب انداختن کشتی نوساز (اوشار شده) دمام نواخته می‌شود.
۶. در اجرای آیین‌های مذهبی و غیرمذهبی از ساز دمام بهره می‌گیرند. به طور کلی دمام زمانی در مناسبت‌های مذهبی و غیرمذهبی نواخته می‌شود که به این مناسبت‌ها در زیر اشاره می‌شود:

● دمام‌زنی در مناسبت‌های مذهبی

در بیشتر محله‌های بوشهر (مرکزی، حاشیه‌ای و بیرونی) رسم است که در شروع و پایان مراسم مذهبی، «دمام‌زنی» کنند. معمولاً این مراسم عبارت‌اند از: ۱. هنگام سحری در ماه مبارک رمضان که ضرباهنگ آن با زمان‌های دیگر فرق دارد. ۲. شب‌های ضربت خوردن حضرت علی علیه السلام. ۳. عزاداری آقا ابوالفضل علیه السلام که از شب ششم الی هفتم دمام‌ها را در «گدام‌خانه» می‌بندند و از شب هفتم شروع به نواختن می‌کنند که اوج آن در شب عاشورا است. این آیین در شب سوم شهادت امام حسین علیه السلام نیز تکرار می‌شود. همچنین علاوه بر عزاداری‌های فوق، نواختن دمام در شهادت امام‌زین‌العابدین علیه السلام و وفات حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و شهادت امام رضا علیه السلام تکرار می‌شود.

❖ ۱۴۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در برخی مناسبت‌ها مانند شب ۲۸ صفر و شب عاشورا، طناب‌های دمام را با تکه پارچه سیاه به شکل ضربدر می‌بندند و بوق‌ها را گل‌کاری می‌کنند. حتی در گذشته، به نیت نذر، زیورآلاتی به بوق می‌بستند و به دمام‌زن‌ها، شال رنگی همراه با هدیه اهدا می‌کردند. (یاحسینی، محله شیخ سعدون، ۱۳۹۲)

در شب‌های ماه مبارک رمضان هم دمام‌نوازی همراه با آیین «دم‌سحری» برای بیدار کردن اهالی به منظور روزه گرفتن اجرا می‌شد. حداقل دو نفر از افراد، در حالی که در دست یکی چراغ فانوس و در شانه دیگری دمام بود، به در یک‌یک خانه‌های محل خود می‌رفتند و علاوه بر کوبیدن در خانه‌ها، با زدن ضربات آهنگین بر دمام (با ضرباهنگ سه ضربی) همراه با خواندن اشعاری، افراد را از خواب بیدار می‌کردند.

برخی اشعار مراسم دم دم سحری چنین بود:

یا للدان، یا للدان، یا للدان

علیکم السلام یا شهر رمضان

یا شهر صیام، یا شهر رمضان

خداوندا تو ستاری

همه خوابند تو بیداری

به حق خودت که بیداری

همه عالم نگهداری

(شریفیان، ۱۳۸۳: ۲۳۱)

در شب ۲۸ صفر، شب رحلت پیامبر گرامی حضرت محمد ﷺ و شهادت امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) نیز دمام‌نوازی می‌شود؛ به این شکل که یک گروه هفت‌تایی سنج و دمام‌زن از یک طرف و یک گروه از طرف دیگر شروع به

سیری بر موسیقی محلی بوشهر؛ دمام ❖ ۱۴۱

نواختن می‌کنند تا به هم برسند که به این دو گروه «دمام دو بره» می‌گویند که دو بر بودن آن به نیت رحلت حضرت رسول ﷺ و شهادت امام حسن علیه السلام است.

• دمام‌نوازی در مناسبت‌های دیگر

هرگاه فرد جوان یا صاحب‌نامی از دنیا رفته باشد، با سنج و دمام به مزار تازه در گذشته می‌روند. به محض نزدیک شدن به قبرستان، ضرباهنگ را تغییر می‌دهند و این بار فقط با زدن سه چوب موزون به دمام به نام «طبل وارونه» (دم دم، دم دم، دم دم) داخل می‌شوند و بعد از خواندن فاتحه به مسجد برمی‌گردند. (احمدی ری‌شهری، پیشین: ۱۳۸۶)

یکی از موارد دیگر دمام‌نوازی، دور کردن نهنگ‌هاست. یکی از بزرگ‌ترین خطرهای کشتی‌های بادبانی قدیم که در اقیانوس هند رفت و آمد می‌کردند، وجود نهنگ‌ها بود. ملوانان و جاشوهای کشتی‌ها در هنگام شب از ترس برخورد با این حیوانات دریایی و در یک اقدام دفاعی و واکنشی، با تمام توان سازهای کوبه‌ای، مانند سنج، دمام و شاید هم بوق را به صدا درمی‌آوردند تا از نزدیک شدن نهنگ به کشتی و برخورد با آن جلوگیری کنند. (شریفیان و یاحسینی، ۱۳۸۹: ۳۸)

جمع‌بندی

دمام، سازی کوبه‌ای و از دسته سازهای پوستی است که از بخش‌هایی همچون پیپ، چمبره، پوست و بند تشکیل شده است. احتمالاً منشاء این ساز قاره آفریقا است که توسط کارگران کشتی‌های تجاری به سواحل جنوبی ایران بویژه بوشهر آورده شده است. این ساز در ابتدا در مراسم مذهبی به کار

می رفت اما به تدریج وارد آیین‌ها و آداب و سنن محلی دیگر این منطقه نیز شد.

در گذشته برای گردآوردن عزاداران و سینه‌زنان از دمام استفاده می‌کردند زیرا آوایی که از این ساز به گوش می‌رسید حس عجیب و تهییج‌آمیزی را در شنوندگان به وجود می‌آورد.

دمام در بیشتر مراسم مذهبی و غیرمذهبی، تشییع جنازه شخصیت‌های بزرگ و هنگام فراخوانی برای انجام کارهای جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این ساز می‌تواند در برنامه‌هایی که نیاز به تهییج مخاطبان احساس می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

الف) کتاب

۱. احمدی ری شهری، عبدالحسین (۱۳۸۰). سنگستان. شیراز: نوید.
۲. شریفیان، محسن (۱۳۸۳). اهل ماتم (آوا و آیین سوگواری در بوشهر). تهران: دیرین.
۳. شریفیان، محسن (۱۳۸۴). سازشناسی موسیقی بوشهر. بوشهر: موزه مردم‌شناسی.
۴. شریفیان، محسن و یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۸۹). تاریخ موسیقی بوشهر پس از اسلام. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

ب) مصاحبه

۱. اردشیری، محمدرضا (دمام ساز)، محله جفره ماهینی، بوشهر، ۱۳۹۲
۲. گرانبها، حاج محسن (تعزیه‌گردان)، بوشهر، ۱۳۸۵
۳. یاحسینی، سیدمحمد (اشکون زن)، محله شیخ سعدون، بوشهر، ۱۳۹۲

